

دریچه

حواشی جشنواره چهلم فیلم فجر

گروه هنر؛ فقط چند روز از اعلام فهرست فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره می‌گذرد و همچنان حواشایی مربوط به فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه و فیلم‌هایی که در جشنواره چهلم فیلم فجر حضور ندارند، ادامه دارد. بخشی از این انتقادها به حضور فیلم‌سازان ناشنا در این دوره جشنواره برمی‌گردد و بسیاری از این جهت چهلمین جشنواره فیلم فجر را ناامیدکننده توصیف می‌کنند و از سویی دیگر برخی معتقدند شاید زمان این رسیده تا به نام‌هایی که چندان شناخته‌شده نیستند، فرصت بیشتری برای دیده‌شدن داد.
باین‌حال، نمی‌توان انکار کرد که بخشی از هیاهوی هرساله جشنواره فیلم فجر، به حضور کارگردان‌های نام‌آشنا با فیلم‌های کنجکاوای برانگیز آنها مربوط می‌شود و امسال از فیلم‌هایی که تا مدتی قبل مخاطبان زیادی امیدوار به حضورشان بودند، خبری نیست. هومن سیدی، سعید روستایی، مانی حقیقی و وحید جلیلوند برخی از فیلم‌سازانی هستند که غیبتشان در این دوره از جشنواره حواشی بسیاری ایجاد کرد.



اما به‌تازگی علی زرنگار، فیلم‌نامه‌نویس سینمای ایران که اولین فیلم سینمایی خود در مقام کارگردان را با نام «علت مرگ: نامعلوم» به تهیه‌کنندگی مجید برزگی ساخته و در چهلمین جشنواره فیلم فجر شرکت کرده بود، در یادداشتی که در صفحه خود منتشر کرد، به حد فیلمش از این رقابت انتقاد کرد. او نوشته است: «سینما تاریخ‌نگاری اجتماعی‌ست. فیلم اجتماعی، روایتگر روزگاری‌ست که بر مردمان می‌رود. و «علت مرگ: نامعلوم» یک فیلم اجتماعی است که وقادارانه به واقعیت می‌پردازد. آنچه شما را وادار کرده است که علی‌رغم رای شش به یک هیئت انتخاب، آن را رکن بگذارید، همین واقعیت فاش و آشکاری است که هر روزه مردمان با آن دست به گریبان‌اند. روی سخنم با شماس‌ت که به خودتان حق می‌دهید روی رای هیئت انتخاب خط بکشید و با نگاه ناموزنشتان آن را به هیچ بینکارید. روی سخنم با شماس‌ت، «شما» یعنی کسانی که همیشه سبوی دیگر ما ایستاده‌اید و در زمین دیگری به‌جز فرهنگ، به بازی حدف شماس‌ت؛ شمایی که سینما را یلک شخصی خود می‌داند و اختیار دست‌بردن در لیست نهایی هیئت انتخاب را دارید، تا هر وقت که لازم باشد بیایید و دلواپسانه فیلمی را از لیست نهایی خارج کنید.

دارم از سینما حرف می‌زنم. با شما دارم از سینما حرف می‌زنم. بیوهه است اما دارم از زحمت بسیار حرف می‌زنم. این خشم و اندوهم کمتر به خاطر خودم و بیشتر به خاطر عواملی است که دلسوزانه پایه‌پایم آمدند تا سرآخ آن فیلمی که آرزو داشتیم به انجام برسد.

دارم از سینما حرف می‌زنم؛ سینمایی که آن را نه با هزینه ارگان‌های دولتی ساختم و نه با پول‌های کثیف سرگردان، بلکه با خون دلی که تاوان آن را با توانی که دیگر برایم نمانده دارم پس می‌دهم. آنان که در این مسیر، کنارم بودند می‌دانند از چه روز‌هایی دارم حرف می‌زنم. به حقیقت و راستی این سخن، هیئت انتخاب می‌تواند گواهی دهد. ای کاش هیئت انتخاب، لیست انتخابی خود را آشکار می‌کرد تا تفاوت میان انتخاب و انتصاب مشخص گردد. این فیلم با اکثریت آرا، جزء منتخبهای حضور در چهلمین جشنواره فیلم فجر بوده است که در لحظات آخر از لیست کنار گذاشته شد. من برای فیلمم چانه نمی‌زنم. دارم از اعتبار جشنواره حرف می‌زنم. از تراکم اندیشه‌های ناهمگون که در مواجهه با هم بارور می‌شوند و شما در این نسل افکنی اندیشه، درخت فرهنگ را به سترونی می‌کشانید. حقیقت پنهان نمی‌ماند. فرهنگ راه خود را باز می‌کند. هیچ واژه‌ای در قفس نخواهد ماند و معنایی پنهان در آستین هیچ هنرمندی قلم در دست من است. و کاغذهای کاهی منتظر که بر آنها می‌نویسم. از آنچه که بر ما می‌رود سخن نخواهم گفت. از مردم روزگار خویش، بیشتر، وفادارانه‌تر، چنانچه تا به امروز نوشته‌ام. پس این قصه ادامه خواهد داشت. این قصه با تمام توانم ادامه خواهد داشت… که رنج کوه بریدن نصیبِ فرهاد است.»

علی زرنگار پیش از این به‌عنوان نویسنده، آثاری همچون «بدون تاریخ، بدون امضا»، «مغز استخوان» و «چهارشنبه ۱۹ دیپهشت» را در کارنامه خود دارد.

فیلم‌های شماغالباً شخصیت‌محور هستند و تم جست‌وجوی درونی

در آنها دیده می‌شود. به نظرم در فیلم‌هایی که بازی کرده‌اید نیز همین موضوع به وضوح دیده می‌شود؛ آیا این به علاقه شما به این تم برمی‌گردد؟

خودشناسی و همین‌طور روان‌شناسی انسان همیشه برایم مطرح و مهم بوده است؛ مسئله تصمیم‌گیری و انتخاب و رنجی که انسان هر روز با آن مواجه است، چون دائم باید دست به انتخاب بزند. گذشته و کوله‌باری که به دوش می‌کشد و توان روانی رویارویی با زندگی. در این موارد کندوکاو بسیاری می‌کنم و می‌خوانم و سعی می‌کنم مشاهده‌گر باشم و تحلیل کنم. فیلم‌های من بیشتر کندوکاوها و کشمکش‌های ذهنی خودم هستند.

فکر می‌کنم از نخستین نمایش‌های فیلم «آتابای» در جشنواره فیلم فجر، رویکرد منتقدان و مخاطبان، مسیر فیلم را مشخص کرد.

آتابای اثری متمایز در کارنامه شماس‌ت؛ هم به لحاظ مفاهیم و مضمون و هم ساختار. کنجکاو کم‌جزئیات بیشتری درباره طراحی دقیق‌ی که برای ساخت فیلم در ذهن داشتید، بدانم.

قطعاً برای این نوع سینما طراحی دقیق وجود ندارد، بلکه فیلمی است که بیشتر از جان و دل آمده و نگارش شده است. من باید درباره موضوعی هیجان‌زده بشوم تا فیلم بسازم؛ وگرنه ساخت فیلم برایم امری اجباری نیست. همیشه هم همین‌طور بوده. مثلاً در یک شب اولین فیلمم یا چند روز بعد فیلم دومم. در همه فیلم‌هایم موضوعی در ذهنم سرا ترغیب کرده به ساختن هستم. دربره «آتابای» می‌خواستم ببینم تا چه حد می‌توان شعر و ادبیات را به سینما نزدیک کرد. سعی کردم دنیایی را که از کشف و شهود و ناخودآگاهم سرچشمه گرفته است، ملموس کنم. بیشتر از ادبیاتی که دوست دارم، وام گرفته شده است؛ مثل نجوف، سامرست موام، بل خودش ساخته شده است. گاهی اوقات ممکن است روابط را در آنها می‌پسندم. ادبیاتی که دوست دارم باید تأثیرگذار و متفاوت باشد تا سراغش بروم و البته شاعرانه. موضوع دیگر، مسائلی است که ذهن مرا همیشه به خود جلب کرده‌اند؛ سنت، اخلاق، ربا، دروغ، تنهایی، غم و… و همه اینها را در بستری دور می‌دیدم؛ جایی که خالی است و افق دارد؛ انسان در چنین محیطی، اخلاق و… جالب بود که چند روز قبل با یکی از دوستانم که مترجم زرنیوس در فیلم «شفیت شب» بود، صحبت می‌کردم و اشاره کرد یادت می‌آید بعد از «شفیت شب» به من گفتی می‌خواهی فیلمی در آذربایجان بسازی بر اساس قصه آقای درویشیان و ساختی.

کوشش آذری انتخاب جسورانه و پرریسکی برای ساخت فیلم بود و البته هدایت بازیگران در اقلیمی که کمی برای مخاطب عام ناآشناست. چطور شد این ریسک را پذیرفتید؟

برای من ریسک نبود، به نظرم طبیعت هنر این است که مخاطب اختصاصی نداشته باشد. اگر همه آدم‌ها از یک فیلم و یک تابلو نقاشی خوششان بیاید که این دیگر هنر نیست. هر فیلمی هم مخاطب خودش را انتخاب می‌کند. مخاطب امروز انتخاب‌های

هنر

گفت‌وگو با نیکی کریمی، کارگردان فیلم «آتابای»

رمز و رازی عاشقانه در حیطه ادبیات



نیکی کریمی در پشت‌صحنه فیلم «آتابای»

«آتابای» از بسیاری جهات یکی از فیلم‌های متفاوت سینمای ایران است؛ قصه‌ای عاشقانه که در اقلیمی کمتر دیده‌شده در سینمای ایران روایت می‌شود. جسارت فیلم‌نامه‌نویس در نگارش قصه و کارگردانی که توانسته به خوبی دنیای ذهنی‌اش را خلق کند. در این فیلم همه‌چیز در جای درست استفاده شده؛ هدایت دقیق بازیگران، پرداختن به تمامی شخصیت‌ها و آشنایی مخاطب با

شخصیت‌های فرعی و داستان‌هایشان و تطابق درست فرم و محتوا که «آتابای» را به فیلمی تأمل‌برانگیز تبدیل کرده است. بدون شک «آتابای» را می‌توان فیلمی در امتداد دغدغه‌مندی نیکی کریمی، کارگردانش، در سینما توصیف کرد؛ فیلمی که به مراتب بیش از پیش انتظارات را از این کارگردان بیشتر خواهد کرد. «آتابای» فیلم اصیلی است و ساختار بصری منحصربه‌فرد فیلم. آن را به گزینه متفاوتی تبدیل می‌کند. به بهانه نمایش این فیلم با نیکی کریمی کارگردان «آتابای» به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

فرآوانی برای تماشاکردن دارد و به‌راحتی می‌تواند و دارد فیلم‌ها یا سریال‌هایی را با زرنیوس می‌بیند. مثلاً می‌تواند فیلمی درباره یک مکان دورافتاده در مکزیک را با زرنیوس ببیند و با آن ارتباط برقرار کند، شاید حتی بیشتر از فیلمی که در کشور مخاطب آن اثر یا کشور خودش ساخته شده است. گاهی اوقات ممکن است چنین اتفاقی را همه ما تجربه کنیم؛ چه پرسد به اینکه در خطه دیگری در کشور خودمان فیلمی ساخته شود و زرنیوس هم دارد. بنابراین من اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کردم. برای من حال‌وهوای فیلم از همه چیز مهم‌تر بود. در واقع این فرم از سینما، ادبیات، شعر و آنچه را دوست دارم، با مخاطب در میان گذاشتم و مطمئن بودم فیلم تماشاگر خودش را هم پیدا می‌کند؛ چراکه اساساً درباره هر فیلمی این اتفاق می‌افتد که مخاطب خاص خودش را دارد و باقی ماجرا. این نوع سینمایی است که من دوست دارم. سینمایی که در آن تجربه و آزادی هست.

فیلم‌نامه بسیار دقیق و با جزئیات نوشته شده است و در طول داستان شخصیت‌ها به مخاطب معرفی می‌شوند و داستان‌های فرعی جذابی نوشته شده است. کمی درباره انتخاب این فیلم‌نامه برای ساخت صحبت می‌کنید؟ با توجه به اینکه اساساً رفتن سراغ روایت یک قصه عاشقانه در سینمای ایران، درس‌های خاص خودش را دارد.

برای من آنچه در نوشتن فیلم‌نامه مهم است، جزئیات است. حتی در زندگی هم جزئیات رفتاری آدم‌ها برایم مهم است. وقتی فیلم‌نامه می‌نویسم

طبیعی باشند. کار با بازیگران یکسان بود؛ چه بازیگرانی که حرفه‌ای نبودند و چه آنها که خیلی فیلم بازی نکرده بودند یا بازیگران و حتی بازیگران حرفه‌ای فیلم. در توضیحاتی که من می‌دادم، اول شخصیت ترسیم می‌شد و بعد تمرین‌های زیادی اتفاق می‌افتاد. اساس فیلم‌برداری ما به این روش پیش می‌رفت که اول زندگی اتفاق می‌افتاد و بعد فیلم‌برداری شروع می‌شد. بازیگران را در موقعیت قرار می‌دادم.

دربراره بازیگران حرفه‌ای که نقش‌ها از آنها فاصله داشت، از این جهت که این‌نوع نقش را قبلاً کار نکرده بودند هم همین موضوع صدق می‌کرد. قصد داشتم زندگی واقعی در جریان باشد که تصویرگردکنی به این سادگی هم ممکن نبود؛ به این دلیل که همه باید یک‌دست بازی می‌کردند. نیاز بود بازی‌های مینی‌مال و در عین حال با نگاه‌های دقیق صورت بگیرد که این احتیاج به آن داشت که مدام بازی‌ها روتوش شود و در میزانشن و فیلم‌برداری اتفاق طوری رقم بخورد که همه چیز طبیعی باشد. قطعاً به تمرکز و حضور فعال در صحنه احتیاج داشت که فکر می‌کنم سعی کردم اکثر بازیگران چنین موقعیتی داشته باشند.

بسیاری قصه را مردانه توصیف کردند و از این جهت هم فیلم شما را متفاوت‌تر از سایر فیلم‌هایی که ساختید می‌دانند؛ اما می‌توان این‌طور برداشت کرد که این بار به شیوه متفاوتی به زنانگی پرداختید. در این مورد صحبت می‌کنید؟

بله. به نظرم «آتابای» شخصیت‌های زن قوی، عمیق و متفاوتی دارد. همان‌طور که شخصیت‌های مرد فیل هم همین شکل هستند. اما زن‌های فیلم من تصمیم‌گیرنده‌اند و اصلاً مردها فقط روایت می‌کنند. در این فیلم و به شیوه متفاوتی این موضوع گفته شد. در «آتابای» هم شخصیت‌های زنی وجود دارد که با اینکه دیده نمی‌شوند، حضور بسیار مؤثری دارند، در قصه بسیار پررنگ هستند؛ چون جی درباره آنها مدام صحبت می‌کند. می‌خوانستم ببینم چطور می‌شود همین کار را در سینما انجام داد. اساساً این نوع روایت سلیقه من است؛ وقتی غیرمستقیم درباره شخصیت‌هایی صحبت می‌کنید که دیده نمی‌شوند؛ شخصیت‌هایی که در ذهن یک نفر هستند. در «آتابای» قصد داشتم چنین روایتی داشته باشم درباره شخصیت‌هایی که اصلاً نمی‌بینیم، ولی بسیار مؤثر هستند.

تطابق فرم و محتوا در این فیلم نکته مهمی است و البته دکوپاژ‌های درستی که در فیلم می‌بینیم. قبل از ساخت چه ایده‌ای برای آن داشتید؟

من کل فیلم را قبل از فیلم‌برداری در ذهن داشتم. برای من از همه چیز مهم‌تر طبیعی شدن قصه است که آن را خیلی غریزی انجام می‌دهم. حتی جای دوربین را سر صحنه غریزی انتخاب می‌کنم؛ بر اساس باور، زیبایی‌شناسی و ناخودآگاهم. دکوپاژ کلاسیک نمی‌کنم.

همان‌طور که گفتم، ادبیاتی که دوست دارم هم فرم روایی کلاسیک ندارد. فکر کنم فضاسازی و متعهدبودن به واقعیت مهم است.

کافی کارها؟

یک نمایشگاه عکس دارم که روی آن کار می‌کنم و نوشن.

زیر آسمان پروازهای دغدغه‌مند



گروه هنر: «آتابای»؛ فیلمی که این‌روزها زیاد دربراه‌اش می‌شنویم؛ فیلمی که از زمان نخستین نمایش‌هایش در جشنواره فیلم فجر تا به امروز تحسین‌های بسیاری از جانب منتقدان و مردم داشته و به راهش ادامه می‌دهد. «آتابای» بیش از هر چیز به پشتوانه کارگردانی درست و فیلم‌نامه دقیقش دیده شد. نیکی کریمی نام شناخته‌شده و معتبری در سینمای ایران است و «آتابای» چهارمین فیلمی است که از او می‌بینیم؛ فیلمی که همچنان در امتداد دغدغه‌مندی اوست؛ اما به لحاظ مضمون و تکنیک با سایر ساخته‌هایش تفاوت‌هایی دارد. فیلمی که با شخصیت‌هایش همذات‌پنداری می‌کنیم و هدایت درست بازیگرانش دیگر برگ برنده‌ای است که به یقین با تلاش کریمی به مذاق مخاطبش خوش نشست‌ه است. سال ۱۳۸۳ کریمی نخستین فیلم بلندش به نام «یک شب» را کارگردانی کرد و بلافاصله در جشنواره‌های معتبر دنیا دیده و تحسین شد؛ موفقیتی که بعد از سال‌های حضورش مقابل دوربین بسیاری از کارگردان‌های شناخته‌شده و معتبر ایران از جمله داریوش مهرجویی، فصل جدیدی را برایش رقم زد. مسیر دشوار دیده‌شدن فیلم اول، مانع از تلاشش برای ساخت فیلم بعدی نشد و سال ۱۳۸۵، «چند روز بعد» را مقابل دوربین برد. «سوت پایان» سومین فیلم نیکی کریمی است که سال ۱۳۸۹ ساخته شد. این فیلم به‌سرعت راهش را در فستیوال‌های مهم دنیا پیدا کرد و در جشنواره‌های پوسان کره جنوبی، دوربان آفریقای جنوبی، ژرول فرانسه، سیدنی، دوبی، کلکته، چنای هند، مانهایم آلمان و پراگ جمهوری چک به نمایش درآمد. همچنین این فیلم توانست جایزه اصلی جشنواره مانهایم آلمان و سه جایزه از جشنواره زول فرانسه کسب کند. نیکی کریمی در تمام سال‌های حضورش چه مقابل و چه پشت دوربین سینما نشان داده که ریسک‌پذیر است و همچنان تجربه‌گرا. حضورش مقابل دوربین کارگردان‌های جوان سینمای ایران و گاه به‌عنوان تهیه‌کننده یکی از نمودهای این تجربه‌گرایی است و البته ساخت فیلم اخیرش هم نشان داد که چیدمان درست عوامل در مقابل و پشت دوربین و اعتماد به آنها می‌تواند نتیجه درخوری ایجاد کند. نیکی کریمی یکی از زنان تأثیرگذار سینمای ایران است. از معدود فیلم‌سازانی که تلاشش برای ساخت فیلم‌های بهتر روزبه‌روز بیشتر می‌شود و در کنارش همچنان به‌عنوان بازیگری که سال‌ها در عرصه سینما خوش درخشیده، به فعالیتش ادامه می‌دهد.

سال‌هاست که نامش به‌عنوان داور، در جشنواره‌های داخلی و خارجی شنیده می‌شود و همواره موانع را تبدیل به فرصت کرده و دست به تغییراتی زده است.

حسن معجون‌ی با «باغ» به صحنه بازمی‌گردد

حسن معجون‌ی که در این مدت بیشتر در پروژه‌های تصویری حضور داشته است، از اجرای نمایش «باغ» خبر می‌هد. این کارگردان و بازیگر تئاتر درباره تازه‌ترین پروژه نمایشی خود به ایستا می‌گوید: نمایش «باغ» را با نگاهی به نمایش‌نامه «باغ آلبالو» اثر چخوف اجرا خواهم کرد. او که پیش از این همین نمایش‌نامه را با بازی زنده‌یاد هما روستا در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه برده بود، توضیح می‌دهد که این اجرای تازه با آنچه قبلاً روی صحنه برده بود، کاملاً متفاوت است. این تفاوت هم شامل نگاهی است که به متن چخوف دارد و هم شامل طراحی‌ها و البته گروه بازیگران نمایش. معجون‌ی این متن را با بازنویسی خودش اجرا خواهد کرد و همچون آثار قبلی‌اش، طراحی صحنه را هم خود بر عهده دارد. سرپرست گروه تئاتر «لیو» نمایش تئاتر خود را با بازی رضا بهبودی، بهناز جعفری، وحید آقاپور، هومن کیایی، مازیار سیدی، آوا شریفی، کتایون طلالی، هدیه حسینی‌نژاد، برنا انصاری، مهسا جمشیدی، داود پژمان‌فر، سردار سرمست و زینب عباسی روی صحنه خواهد برد. رضا بهبودی تنها بازیگری است که از اجرای قبلی این نمایش در ترکیب گروه بازیگران اجرای جدید هم حضور دارد. او در اجرای پیشین با بازی در نقش «لوپاخین» خوش درخشید و سردار سرمست هم علاوه بر بازیگری، ساخت موسیقی نمایش را بر عهده دارد. حسن معجون‌ی این روزها مشغول تمرین این اثر نمایشی است که قرار است به‌زبان آرنه در پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب روی صحنه آرنه در اجرای نمایش «باغ»، شایلان عشایری طراحی لباس را انجام می‌دهد. معجون‌ی مشغول بازی در سریال «آهوی من مارال» بود که فعلاً فیلم‌برداری آن به‌دلیل مشکلات اقتصادی متوقف شده است. او در سریال «راز بقا» به کارگردانی سعید آقاخانی هم بازی می‌کند که قرار است از شبکه نمایش خانگی پخش شود.